

قهر مانانه در آتش ز اگرس

گفت و گوبا جنگلبان جنگل های زاگرس که این روز ها تصویر چهره باند پیچی شده اش به خاطر سوختگی شد ید پر باز دید شده است

اکرم انتصاری | روزنامه نگار

پرونده

بیشتر از یک هفته است آتش به جان زاگرس افتاده است و این آتش دارد منطقه به منطقه خاموش می شود. البته این اتفاق به خاطر حال و هوای سیاسی این روز ها و انتخابات ریاست جمهوری به حاشیه رفته است. پشت همه آتش سوزی هایی که جنگل های زاگرس را می سوزاند و خاموش می شوند، چهره هایی آتش را به جان می خرنند که شاید ما هیچ وقت آن ها را نمی بینیم. یکی از این افراد، «یدا... زینی وند» است که در چند روز گذشته، تصویر چهره باند پیچی شده اش دارد در کانال های مختلف خبری و صفحه های اینستاگرام با جمله هایی مانند «قهر مان وطن در دفاع از جنگل های زاگرس» یا «غیرت و شرف اگر تصویر بود» دست به دست می شود. سر و صورت و دست هایش سوخته است و از روی صورت باند پیچی شده اش به زحمت می شود چشم هایش را دید. «یدا... زینی وند» رئیس یگان حفاظت منابع طبیعی در شهر در استان ایلام است و زمانی برای او این اتفاق می افتد که در حال مهار آتش سوزی کبیر کوه به دل آتش می زند. کبیر کوه یکی از کوه های طولانی زاگرس و در سیمه جایی در مرز استان های ایلام و لرستان قرار دارد. یکی از کهن ز پستگاه های زاگرس است که قدمت آن به ده ها میلیون سال قبل و دوره کرتاسه بر می گردد. وقتی بعضی پستانداران کوچک به وجود آمدند و دایناسورها منقرض شدند. یدا... هیچ وقت تاب دیدن آتش گرفتن حتی یک تک درخت را ندارد و احترامش به طبیعت را می توان وقتی صحبت از درخت و جنگل می شود، فهمید. با این قهر مان که دو دهه از عمرش را صرف جنگلانی و نگهداری از جنگل های زاگرس که بخش مهمی از طبیعت ایران است، کرده است گفت و گو کردیم و ثمره آن را می توانید در پرونده امروز زندگی سلام بخوانید. زاگرس یکی از بزرگ ترین و اصلی ترین رویشگاه گونه های مختلف به خصوص بلوط در ایران است. بد نیست بدانید جنگل های زاگرس در ۹ استان کشور پراکنده گی دارد و با ۶ میلیون هکتار مساحت، ۴۰ درصد جنگل های ایران را تشکیل می دهد و به همین دلیل حفظ آن اهمیت بالایی برای جانداران، جانوران و انسان ها دارد.



در زندگی سلام امروز بخوانیم:

خون، جرم گوش و اشک

علایم خاصی درباره سلامت

خط قرمز های بیرون رفتن نوجوانان با دوستان

یکی از درخواست های مکرر و چالش برانگیز بعضی نوجوانان در تابستان، این است که بار فیک های شان به پارک، کافی شاپ، سینما، دور دور یا... بروند؛ واکنش والدین باید چگونه باشد؟

توصیه های پر باز دید عمویور نگ به کودکان

طنز | توهمات سرخوشانه در باره فوتبال

ز مستان ها بلوط می کارم ولی...



«من دوستدار طبیعت هستم و دوست دارم درخت ها سرپا بمانند و مردم از طبیعت لذت ببرند. منطقه ما هم منطقه بسیار زیبا و جنگلی است. اگر ببینم کسی آتش روشن کرده است اول راهنمایی می کنم که با هر وسیله ای که دارد آتش را خاموش کند اما اگر بفهمم از روی عمد این کار را انجام داده است با او برخورد می کنم.» زینی وند با این مقدمه به این که احیای جنگل کار زمان برو بسیار سختی است، اشاره می کند و مشکلاتی را که سر راه احیای جنگل زاگرس است توضیح می دهد: «اگر بخوایم جنگل مان احیا شود کار های زیادی باید بکنیم. دام ها زیاد وارد عرصه ها می شوند. کار ما در مستان بیشتر این است که تخم بلوط بکاریم. البته بعضی وقت ها که بیکارم هم خودم دلی این کار را می کنم و در جنگل بلوط می کارم. الان منطقه ای داریم که احیایش کردیم ولی متأسفانه دام ها بیش از اندازه وارد جنگل می شوند و اگر تخم بلوطی بکاریم، تا سبز می شود گوسفند ها به سراغش می روند و آن را می خورند و نمی گذارند بلوط بزرگ شود.» او ادامه می دهد: «همه خانواده من عشق و علاقه شان طبیعت است و هر کاری از دست شان بر بیاید برای طبیعت انجام می دهند. دخترم یک شب در جاده آتش سوزی دیده است. خودش و پسر دوساله اش از خودرو پیاده شده و رفته اند آتش را خاموش کنند تا آتش بزرگتر نشود.»

متخلف گفت

کاری می کنم اسم خودت یادت برود!

وقتی به دنبال شماره یدا... زینی وند بودم خیلی ها گفتند او اهل خطر است و به غیر از این سوختگی، بارها دچار مصدومیت شده و حتی مورد حمله برخی مخربان منابع طبیعی هم قرار گرفته است. از خودش درباره این موضوع می پرسم و می گوید: «من همیشه با کسانی که متخلف هستند، مواجهم و به جد با آن ها مبارزه می کنم. ساعت ۳ صبح و ساعت ۵ صبح، فرقی ندارد. با کسانی که تخلف کنند مبارزه می کنم. پار سال به منطقه ای رفتم که به آن «گرز لنگر» می گویند. منطقه ای است که ۲۰ کیلومتر با دره شهر فاصله دارد. ما در آن منطقه با متخلفان درگیر شدیم و متأسفانه به نیرو های ما با تفنگ شلیک کردند. من هم از ناحیه پا زخمی شدم و بچه ها من را به پایین کوهستان آوردند ولی خیلی لطمه دادم. کار متخلفان در منطقه ما مختلف است؛ قاچاق چوب، زغال گرفتن، آدامس کوهی و شیره درخت. درخت را با تیشه می زنند و شیر هاش را می گیرند و می فروشند. این کار باعث خشک شدن درخت به خصوص درخت بنه می شود. ما هر روز درگیر متخلفان هستیم و با آن ها، سرو کار داریم ولی وقتی متخلف را تحویل می دهیم نه جریمه آن چنانی دارد و نه زندانی. بعد از دوروز متخلف می آید و مسخره مان می کند. تازه تهدید هم می کند. خیلی از این موارد پیش آمده است. یک بار یکی از متخلفان تهدیدم کرد و گفت شماره ماشینت را می دانم و خانه ات را هم بلدم. کاری می کنم که اسم خودت از یادت برود.»

دکتر گفت شاید در مانت یک سال طول بکشد

وقتی با آقای زینی وند تماس می گیرم صداها را خوب تشخیص نمی دهد و به همراه همسرش و چند نفر دیگر در جاده ایلام به خرم آباد است. بعضی سوالات را همراهانش برای او با صدای بلند تکرار می کنند و بعضی جمله ها را برایش به زبان محلی خودشان ترجمه می کنند. وقتی از او می پرسم با آن وضعیت جسمی در جاده چه می کنید، می گوید: «در راه خرم آباد چون استان ایلام دکتر خصوصی ندارد که من را معالجه کند. من

برای درمان باید بین ایلام و خرم آباد بروم و بیایم. خدا شاهد است دکتر گفت شاید یک سال طول بکشد صورتت به حالت اولیه برگردد. هزینه های درمان را هم تا الان خودم دادم و کسی چیزی به من نداده است. خیلی از مسئولان شهری و استان آمدند عیادت اما بیشتر یک عیادت سرپایی بود. من واقعا خیلی آسیب دیدم و تا الان کمکی به من نشده است.» از او درباره سخت ترین روزی که در حین ۲۰ سال خدمت داشته است، می پرسم و پاسخ می دهد: «پار سال تابستان بود. خلافکاران داشتند در جنگل به یک درخت بنه تیشه می زدند تا شیر هاش را بگیرند. وقتی ما را دیدند تیر اندازی کردند و من تنها ماندم. راه را هم گم کردم تا بالاخره شب خودم را به خانه مان رساندم.»

دمنده نباشد

با شاخه درخت، آتش را خاموش می کنیم

این فصل هر روز با آتش درگیریم. جنگل مان زیاد است و این جوری همه چیز از بین می رود. کسانی که در جنگل کار می کنند با جان شان سرکار می روند یعنی جان شان را گذاشتند کف دست شان، دارند خدمت می کنند ولی متأسفانه دولت به جنگلبان ها به آن معنا رسیدگی نمی کند.»



آتش سوخی ندارد و ممکن است در یک چشم به هم زدن آن قدر شعله ور شود که همه چیز و همه جا را به خاکستر تبدیل کند. این موقعیت سختی است که محیط بان ها و جنگلبان ها زیاد آن را تجربه کردند. از آقای زینی وند می پرسم آتش سوزی ها را در جنگل چطور مهار می کنند و او این طور توضیح می دهد: «ما با دمنده آتش را مهار می کنیم. نمی دانم دیدید یا نه، این دستگاه، باد تولید می کند. بعضی مواقع که این وسیله را نداریم با شاخه درخت آتش را خاموش می کنیم. متأسفانه تجهیزات ما خیلی کم است و باعث می شود خودمان آسیب جدی ببینیم. پار سال یک آتش سوزی داشتیم که ۳ روز و ۳ شب با آتش مبارزه کردیم. اگر می شود به گوش مسئولان برسانید که هلی کوپتر، آبیاش و پهپادی به استان ما بدهند که کمتر اذیت شویم. چون



یدا... ۵۹ ساله است و تقریباً ۲۰ سال است که در منابع طبیعی استان ایلام خدمت می کند. از او می پرسم چطور شد که صورتش در آتش سوخت و او روز آتش سوزی جنگل را این طور روایت می کند: «۲۶، ۲۷ خرداد بود که آتش سوزی کبیر کوه را به گزارش دادند. ما هم طبق مسئولیت کاری مان رفتم و شروع کردیم به خاموش کردن آتش که خیلی هم گسترده شده بود. در حال خاموش کردن بودم که متأسفانه باد شدیدی ایجاد شد؛ من در محاصره آتش قرار گرفتم و سر و صورتم به صورت کامل سوخت.» می پرسم پس چطور نجات پیدا کردید و پاسخ می دهد: «با نیرویی که خودم داشتم خودم را از آتش بیرون کشیدم. قبلا هم دچار آتش سوزی شدم ولی نه به این صورت. این بار توانستم یک جوری خودم را نجات بدهم. الان آتش دره شهر مهار شده اما الان [تا لحظه تنظیم این گزارش] آتش به لرستان رسیده است. متأسفانه باد، آتش را هدایت می کند و اگر باد نباشد ضرر و زیان کمتری به جنگل می رسد. ما در این فصل آتش سوزی زیاد داریم. یک بخش داریم به اسم ماین که به دلیل درگیری طایفه ای هر ساله یک آتش سوزی ثابت داریم و از سه تا پنج روز آن جا هستیم تا آتش را خاموش کنیم. متأسفانه کسی قدمی بر نمی دارد تا آشتی صورت بگیرد و حداقل جنگل ها کمتر بسوزند.»



تابستان که می شود

کلا آتش سوزی داریم

از صحبت های زینی وند متوجه می شوم جنگلبان ها در جنگل های زاگرس بهار و تابستان سخت و پیکاری را پشت سر می گذرانند و یک شعله آتش کافی است تا آتش از ایلام به لرستان و از استان های دیگر به مناطق دیگر برسد. او در پاسخ به این که هر چند وقت یک بار آتش سوزی به جان زاگرس می افتد، می گوید: «والا ایام تابستان که می شود ما کلا آتش سوزی داریم. یعنی هر پنج روز یک بار آتش سوزی اتفاق می افتد و بیشتر به خاطر آتشی است که مردم درست می کنند. البته به نظر من بیشتر آن ها عمدی است. وقتی به ما اعلام می کنند ما مامور هستیم و می رویم آتش را خاموش می کنیم و بر می گردیم. مدت زیادی است در بیشتر عملیات های مهار آتش سوزی شرکت می کنم و اگر ببینم یک درخت در معرض آتش است سریع خودم را می رسانم. یعنی دوست ندارم حتی یک درخت لطمه ببیند. بعضی وقت ها مردم هم در خاموش کردن آتش کمک می کنند اما بیشتر کار وقتی در منطقه آتش سوزی می شود با نیرو های منابع طبیعی است.»

[...]

بار ها کبک و جوجه هایش در لانه سوخته اند

ویدئوی غم انگیزی منتشر و ادعا شده است صدا های داخل ویدئو صدای حیواناتی است که در آتش می سوزند یا برای خانواده شان که در آتش گیر افتاده اند، ناله می کنند. زاگرس پناه امن بسیاری از جانداران است و در آن از سنجاب ایرانی، گوزن و کبک تا درخت های بنه، ارغوان، کیکم و بلوط زیست می کنند. جنگل های بلوط منطقه زاگرس از جنوب غرب استان آذربایجان غربی شروع می شود و در ادامه غرب ایران یعنی غرب کردستان و کرمانشاه، شرق ایلام و غرب لرستان و سپس جنوب غرب ایران یعنی بخش هایی از استان چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد، شرق خوزستان و شمال غرب فارس را طی می کند و به همین دلیل یکی از جنگل های پراهمیت ایران از نظر زیستی برای

جانوران و درختان است. زینی وند گریزی به خاطرات تلخ و دیده هایش در آتش سوزی های جنگلی می زند و روایت می کند: «من طبیعت دوستم و گفتم شاید بتوانم در جنگل یک خدمتی به کشورم بکنم. حدود دو سال دیگر باز نشستیم می شوم ولی هیچ وقت از خدمت در منابع طبیعی پشیمان نشدم. در آتش سوزی های جنگل چیز های تلخی دیدم. در جنگل زاگرس و در جنگل های دره شهر درخت های بلوط، بنه و حیوانات و پرند ه های زیادی مانند کبک زندگی می کنند. این آتش سوزی به غیر از درخت ها به حیوانات جنگل هم آسیب می زند و جنگل را نابود می کند. بارها بوده یک کبک به خاطر تخم هایش از لانه فرار نکرده است و خودش و جوجه هایش با هم سوخته اند. این صحنه ها را متأسفانه زیاد دیدم.»

[...]

حدود دو سال دیگر باز نشستیم می شوم ولی هیچ وقت از خدمت در منابع طبیعی پشیمان نشدم. این آتش سوزی به غیر از درخت ها به حیوانات جنگل هم آسیب می زند و جنگل را نابود می کند. بارها بوده یک کبک به خاطر تخم هایش از لانه فرار نکرده است و خودش و جوجه هایش با هم سوخته اند